فراموشی مداوم، سهم آموزش و پرورش در بودجه!

عبدالجلیل کریم‌پور
کارشناس آموزشی

امسال هم لایحه بودجه در زمان معین برای تصویب به مجلس رفت و باز هم بررسی بودجه آموزش و پرورش برای معلمان ناخوشایند و غیرقابل دفاع بود. اگر چه امسال هم تا حدی شاهد افزایش آن (تقریبا ۱۵ درصد) بودیم؛ اما اگر نیک بنگریم باز هم این نهاد را در منگنه یک وضعیت کلیشه‌ای می‌بینیم که آسیب‌های فراروی آن همیشه باید دست خیرین را ببوسند و درمان دردشان را در آن‌ها ببینند. بیاییم برای یک بار هم که شده نگاهی متفاوت به این مجموعه داشته باشیم و برنامه‌ریزی شده بدان توجهی خاص نماییم، همه جذب نیروها را هدفمند و بر پایه اسلوب‌های منطقی انجام دهیم. برای یک سال به بودجه آن، متفاوت نظر افکنیم و برآیند کار را مدنظر داشته باشیم. از آن سو از لحاظ مالی اقناعش کنیم و از این‌سو جز کیفیت به هیچ نیندیشیم. صرف هزینه را جز در راستای آموزش قرار ندهیم؛ آن‌گاه پیشرفت کیفی کار را بسنجیم که بی‌شک اگر بودجه منطقی ارائه شده، درست صرف شده باشد، پیامدی نیکو به همراه خواهد داشت، یعنی رشد فرهنگی که می‌تواند از هزینه‌های بعدی جلوگیری نماید. آنچه در فعال نمودن و اثرگذاری یک سازمان نقش مؤثری را ایفا می‌کند، هدف‌گذاری آن سازمان در اولویت و ارائه برنامه‌ای جامع و مطلوب و استفاده از نیروهای کارآمد و فعال و پر انرژی در اولویت‌های بعدی است که در نظر گرفتن مبحث مالی قاعده‌مند برای تسهیل کار در کنار آن امور می‌تواند ما را به هدف نزدیک‌تر نماید. حال اگر به جای آن، هرساله همان کلیشه خاص را ادامه دهیم و از کنار انبوه مشکلات آن بی‌خیال بگذریم و در انتظار مددی خاص باشیم، آن‌گاه باید در گیر یک درهم‌گسیختگی گردیم که به هر گوشه‌اش که نظر کنیم، گوشه دیگر آن لنگ خواهد زد و هر دم، این وضعیت را دچار تشتت بیشتری خواهد نمود؛ وضعیتی که در این سیستم و بودجه‌های آن، هر ساله شاهدش هستیم. معلم از اوضاع نابسامان فیزیکی برخی مدارس، فقدان وسایل کمک آموزشی مناسب، عدم بهره‌مندی از کلاس‌های استاندارد هم از لحاظ جمعیت و هم از لحاظ بقیه مؤلفه‌های مربوط به آن، پشت پا افتادن طلبکاری‌ها و.... شکایت دارد، آن گاه از او می‌خواهیم تا با آرامش خاطر، فعالانه حضور یابد و ما هر روز شاهد ارتقایی جدیدتر و اثربخش‌تر باشیم، اتفاقی که حتما شدنی نیست و نمی‌تواند ما را حتی به هدف هم نزدیک کند، مگر با برنامه‌ریزی قاعده‌مند و اثربخش که مستلزم نگاهی همه‌جانبه‌نگر است و هم‌اکنون به تمهید و دغدغه نمایندگان نظر دارد تا برای یک بار هم که شده، آنها در زمان بررسی بودجه این نهاد، عمق مسئله را درک کرده و فقط به یک موافقت و مخالفت کلیشه‌ای دلمان را خوش نکنند و با توجه به جایگاه آموزش و پرورش در کل دنیا و میزان اهمیت‌گذاری آن در جوامع توسعه یافته برایش تصمیم بگیرند.

مخالفان و موافقان طرح ترافیک جدید تهران چه می‌گویند؟

طرحی برای از مابهتران یا برای همه

جامعه فردا: برخی معتقدند برای کاهش ترافیک خوب است، یک سری دیگر آن را منبع درآمد جدید شهرداری می‌دانند، بعضی‌ها می‌گویند فاصله طبقاتی را افزایش می‌دهد و به دور از عدالت اجتماعی است، گروهی آن را در ادامه طرح گران‌سازی زندگی در شهر تهران می‌دانند و عده‌ای هم آن را شیوه‌ای تجربه‌شده در دنیا می‌دانند. همه این‌ها توصیف‌هایی است که از طرح ترافیک جدید تهران ارائه شده است و هرکدام هم استدلال‌های پشت‌سر خود دارند.

با همه این‌ها شهرداری تهران مصمم است که طرح جدید را اجرایی کند. محمدعلی نجفی، شهردار تهران دیروز گفته در صورت تصویب شورای عالی ترافیک و شورای شهر این طرح از ابتدای فروردین اجرایی خواهد شد.

او با اشاره به فرصت کم باقی مانده تا پایان سال، ابراز امیدواری کرد که طرح شهرداری تهران در زمینه حذف آرم طرح ترافیک مورد تصویب شورای عالی ترافیک و شورای شهر قرار گرفته و از اول فروردین ماه سال آینده اجرایی شود.

این طرح بر اساس آنچه رئیس کمیسیون حمل و نقل شورای شهر تهران توضیح داده اینگونه است که برای تهران چند محدوده تعیین می‌شود که یکی از محدوده‌ها، محدوده طرح ترافیک فعلی است. در شرایط جدید با حذف طرح ترافیک و تعیین عوارض قابل توجه برای خودروها، خودروها براساس میزان تردد، بهره‌مندی افراد و ساعات رفت و آمد عوارض پرداخت می‌کنند. این عوارض متناسب با روزهای عادی و آلوده، ساعات اوج ترافیک، محدوده واردشده و برخی مولفه‌های دیگر متناوب و شناور است.

به گفته افشین حبیب‌زاده در طرح LEZ به نوعی اخذ این عوارض گفته شده بود و از دوره قبل شورا و شهرداری زمینه‌های آن فراهم شده و حالا هم لایحه شهرداری در شورا بررسی و در صورت لزوم به شورای عالی ترافیک ارسال می‌شود. او همچنین گفته مبلغ هنوز نهایی نشده و نمی‌توان عددی را گفت، اما حتما این رقم عوارض باید آن قدر قابل توجه باشد تا برای شهروندان ورود به محدوده طرح صرف اقتصادی نداشته باشد.

شهردار تهران هم گفته در این طرح صدور آرم طرح ترافیک را به کلی منتفی می‌کنیم چرا که هر ساله ۱۰۰ هزار آرم طرح ترافیک به شکل‌های مختلف در کنار ۲۰ هزار کارت شناور توزیع می‌شود و این بدان معنی است که روزانه ۱۲۰ هزار خودرو اجازه ورود به طرح ترافیک را دارند؛ این در حالی است که ضابطه خیلی دقیقی بر نحوه توزیع آرم‌های طرح ترافیک حاکم نیست و مفاسد و مسائلی هم در گذشته درباره توزیع این آرم‌ها وجود داشته است.

نجفی اضافه کرده به جای اینکه برای ورود به مناطق زوج و فرد و طرح ترافیک آرم بفروشیم، اعلام می‌کنیم که هر خودرویی به هر دلیلی وارد این مناطق شود، باید عوارض خاص آن منطقه را بپردازد. این طرح تقریبا در همه شهرهای بزرگ دنیا که طرح‌های محدودکننده برای ورود به هسته مرکزی شهر دارند، به همین شکل اجرا می‌شود و در حال حاضر فروش کارت و آرم ترافیک در هیچ جای دنیا مرسوم نیست.

طرحی به نفع پولدارها

مخالفت‌ها با این طرح از همین جا آغاز می‌شود. بسیاری معتقدند در این طرح هرکس پول بیشتری داشته باشد و خودروی بهتری سوار شود می‌تواند از مزیت ورود به طرح ترافیک بهره‌مند شود و اغلب مردمی که پولدار نیستند باید به استفاده از حمل و نقل عمومی اکتفا کنند. اما شهرداری تهران معتقد است این طرح برای بازدارندگی از ورود به طرح ترافیک است. به گفته معاون حمل و نقل و ترافیک شهردار تهران پیشتر فقط ۹۸هزار نفر در شهر حق ورود به محدوده طرح ترافیک را داشتند و با حذف آرم طرح ترافیک «رانت این گروه خاص» هم از بین می‌رود و عدالت اجتماعی رعایت می‌شود.

آنهایی که می‌گویند شهرداری به دنبال کسب درآمد از این طرح است هم بر افزایش «قابل توجه» عوارض ورود به طرح ترافیک تأکید می‌کنند. شهرداری معتقد است این عوارض برای این است که دیگر استفاده از خودروی شخصی به‌صرفه نباشد؛ اما منتقدان می‌گویند قطعا با وجود تعداد بالای خودروهای چندصد میلیون و حتی میلیارد تومانی در تهران عده زیادی این عوارض را با خیال راحت پرداخت می‌کنند و شهرداری هم می‌تواند از این راه درآمد زیادی کسب کند. هرچند مسئولان شهرداری هم می‌گویند این درآمد دوباره در شهر هزینه می‌شود و بر همین اساس درآمد پایداری کسب می‌شود.

ادامه گران‌سازی زندگی در تهران

گران‌شدن زندگی در شهر تهران یکی از سیاست‌های جدی مدیران جدید شهر تهران است. آنها معتقدند باید زندگی در تهران به حدی گران شود که مهاجرت معکوس در این شهر شکل بگیرد و تهران آنقدر خلوت شود که مشکلات زیست‌محیطی و ترافیکش حل شود. برخی منتقدان طرح ترافیک جدید تهران هم این طرح را در امتداد همین تفکر می‌دانند. آنها معتقدند کسانی که خودروهای ساخت داخلی که استانداردهای لازم را ندارند سوار می‌شوند، اولین کسانی‌اند که در این طرح به حاشیه رانده می‌شوند و پولدارها بازهم در این شهر با آسایش بیشتر زندگی خواهند کرد.

اما یک انتقاد اساسی دیگر هم به این طرح مطرح است، اینکه سامانه حمل و نقل عمومی تهران به اندازه کافی قدرتمند نیست که بتواند بار کاهش خودروهای شخصی در شهر را بر دوش بکشد. منتقدان می‌گویند در صورت گران‌شدن استفاده از خودروی شخصی تعداد مسافران مترو و اتوبوس افزایش چشمگیری پیدا می‌کند این در حالی است که همین الان هم حمل و نقل عمومی تهران با نهایت ظرفیت خود کار می‌کند. تهران نزدیک به پنج هزار اتوبوس کم دارد و هنوز خطوط ۶ و ۷ مترو راه‌اندازی نشده و خط سه هم به دلیل کمبود واگن و لکوموتیو با حداقل ظرفیت خود کار می‌کند. منتقدان می‌گویند در این شرایط چگونه مسئولان از مردم انتظار دارند که از خودروی شخصی خود استفاده نکنند و یا هزینه‌های بسیار زیادی برای استفاده از خودرو بپردازند. مسئولان شهرداری در پاسخ می‌گویند خطوط ۶ و هفت مترو به زودی راه‌اندازی می‌شوند و قرارداد خرید واگن به صورت فاینانس هم در حال نهایی‌شدن است، ضمن اینکه درآمدهای حاصل از این طرح هم برای گسترش حمل و نقل عمومی مصرف خواهد شد.

چاره‌ای نیست

این طرح اما موافقانی هم دارد، آنها که با وجود همه این انتقادهایی که به طرح می‌شود معتقدند فعلا چاره‌ای جز این وجود ندارد. به اعتقاد آنها این طرح یک روش تجربه‌شده در دنیاست که باعث کاهش علاقه مردم به استفاده از خودروی شخصی می‌شود و با وجود اینکه باعث می‌شود این افراد ثروتمند باشند که همچنان از موهبت خودروی شخصی برخوردار خواهند شد؛ اما در عوض قسمتی از هزینه‌های شهر را هم با این کار پرداخت خواهند کرد. به اعتقاد موافقان اگر استفاده از خودروی شخصی را نه یک حق مسلم، بلکه یک مزیت در شهر بدانیم، باید آنها که می‌خواهند از این مزیت استفاده کنند هزینه‌های آن را بپردازند و گله‌ای هم از این وضع نداشته باشند.

با همه این انتقادها و حمایت‌ها اجرای این طرح همچنان از اولویت‌های شهرداری تهران است. تهران سال‌هاست که دیگر شهری برای زندگی نیست و آلودگی هوا و ترافیک و شلوغی سرسام‌آور آن همه را کلافه کرده است، چه مردمی که در آن زندگی می‌کنند و چه مسئولانی که به‌وضوح توان اداره این وضع را ندارند و مستاصل و پریشان هر روز به یک طرح جدید و ابتکار تازه چنگ می‌زنند. در این شرایط طرح ترافیک جدید شهر تهران باید نظر مساعد شورای شهر تهران و بعد شورای عالی ترافیک را کسب کند. شورای اول به نظر همسو با شهرداری است اما شورای دوم که اغلب اعضای آن را دولتی‌ها تشکیل می‌دهند به نظر نمی‌رسد از گران‌تر شدن زندگی در تهران استقبال کنند. با این احوال نجفی و یارانش برای به‌ثمر رساندن طرح خود راه دشواری دارند.

چطور بازار شایعه هارپ داغ شد

لرزه‌های بی‌اعتمادی اجتماعی سهمگین‌تر از هارپ

عکس: محمد بابایی / ایرنا

جامعه فردا: حوادث بزرگ مثل جنگ، زلزله، سیل یا حتی سقوط هواپیما که دربرگیری زیادی دارند و عموم مردم را به شکلی متاثر می‌کنند، در بعضی از جوامع مستعد تولید و تولد شایعه یا خبرهای غیرواقعی هستند. در بسیاری از این مواقع، شایعه چون بارانی بر ذهن مردم می‌بارد. گویی با نقل غیرواقعی و تحلیل غریب از رویدادها، جامعه دنبال پناهگاهی می‌گردد تا در آن رام و آرام شود. چه نوع جوامعی چنین استعدادی در پرورش شایعه و دامن زدن به شبه‌واقعیت یا شبه علم را دارند؟ چرا نوعی بی‌اعتمادی عمومی در حال شکل گیری است و در پی این بی اعتمادی دامنه شایعات رونق می‌گیرد؟ پیشتر پروفسور علی نیری دانشمند فیزیک دانشگاه کالیفرنیا در پاسخ به پرسش‌های روزنامه «جامعه فردا» درباره شایعه آزمایش‌هایی مانند گفته بود: باید ببینیم این شایعات در چه کشورهایی مطرح می‌شود. عموما در کشورهایی که نتوانسته‌اند راهکار درستی برای مقاوم‌سازی ساختارهایشان بیندیشند، این نوع شایعات زیاد درمی‌گیرد.

اشاره این متخصص فیزیک، نه تنها به بی‌اعتمادی بنیه‌های فیزیکی کشورهایی مانند ایران است بلکه به جنبه‌های روانی جامعه نیز اشاره می‌کند چرا که بنا به اظهار جامعه‌شناسان، رفتار مردم تابعی از ساخت اجتماعی و نظام حاکم سیاسی بر آن جامعه است.

آیا مردم با باور نکردن اطلاعیه‌های رسمی نهادهای دولتی در ایران در پی اعلام پیامی هستند؟ آنها با باور نکردن حقیقت زلزله در کرمانشاه، تهران و دیگر نقاط کشور چه پیامی را می‌خواهند به نهادهای تصمیم گیر و سیاست گذار مخابره کنند؟ چطور توده‌های عظیم مردم در خیابان، مدارس، دانشگاه‌ها، اداره‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی حاضرند خبرهای دروغ و غیرواقعی مانند آزمایش غیرقابل تصور هارپ و فعالیت‌های مشکوک هسته‌ای و نظامی را باور کنند اما حقیقت زلزله‌خیز بودن ایران را به فراموشی سپرده‌اند.

اگر مطالعه و سنجش حداقلی در مدارس یا موسسه‌های آموزشی که با جمعیت کثیری از دانش‌آموزان و دانشجویان به‌عنوان شاخصی از خانواده‌ها با عقاید و دیدگاه‌های متفاوت و سطح دانش و آگهی متنوع، انجام می‌شود، به‌خوبی در خواهیم یافت نهادهای رسمی اطلاع‌رسان چطور در گرداب شایعه، بی‌اعتبار شده‌اند و مردم کمتر رسانه‌های رسمی مثل رادیو و تلویزیون را به‌عنوان منبع اصلی اطلاع‌رسانی به رسمیت می‌شناسند! در این‌باره البته بارها و بارها بحث شده است اما در مواقعی که حادثه‌ای رخ می‌دهد، نیاز است ساماندهی سریع و مطمئنی صورت گیرد تا مردم در هیجانات و احساسات دچار خطاهای جبران‌ناپذیر نشوند.

با پخش خبرهای بی پایه درباره وقوع آزمایش هارپ در ایران و البته هشدارها درباره احتمال از بین رفتن اعتماد عمومی به نهاد دولت و ساختارهای اطلاع‌رسان، فیروز نادری از مدیران ارشد سابق ناسا و دانشمند علوم فضایی در آمریکا در اینستاگرامش در مورد هارپ نوشته: «هر چیزی رو که تو اینترنت، تلگرام، مسجد یا از فک و فامیل می‌شنوید باور نکنید. علت زلزله‌های اخیر در ایران یا جاهای دیگه هارپ نیست.»

این مشاور مدیریت ناسا روز ۶ دی‌ماه و بعد از پس‌لرزه ۴٫۲ ریشتری ملارد، شایعات تاثیر هارپ در زلزله‌های ایران را رد کرد و در بخشی از متن خود خطاب به مردم ایران نوشت: از فکرهایمان استفاده کنیم و هر چیزی که در اینترنت و کانال‌های تلگرامی یا از اطرافیانتون می‌شنوید را باور نکنید. احتمال اینکه شما در یک تصادف رانندگی فوت کنید خیلی بیشتر از آنی است که در سال‌های آینده با زلزله بمیرید.

نادری می‌گوید که هارپ، دلیل زلزله در ایران و سایر نقاط دنیا نیست.

البته آنطور که استقبال از یک فایل صوتی منتسب به یک متخصص زلزله‌شناس به نام دکتر معصومی، نشان می‌دهد، اگر اطلاع‌رسانی دقیق و صحیح و با مطالعه به مردم صورت گیرد، بی‌گمان مردم به شایعات دامن نمی‌زنند. در فایل صوتی دکتر معصومی که حتی شماره موبایل خود را در اختیار مردم قرار می‌دهد، این اطمینان به مردم داده می‌شود که در وقوع زلزله شکی نیست و ایران همیشه در معرض این رویداد طبیعی است. او همچنین تاکید می‌کند که در تهران، جز بافت‌های فرسوده که از بتن و پایه‌های فلزی در ساختمان‌سازی استفاده نشده، ساختمان‌ها در تهران هرگز دچار کلپس یا واژگونی نمی‌شوند بلکه آسیب می‌بینند. او به مردم اطمینان می‌دهد که در خانه‌هایشان در تهران مدفون نمی‌شوند بلکه خانه‌هایشان ممکن است فقط آسیب ببینند.

از سوی دیگر دکتر علی نیری، استاد فیزیک دانشگاه کالیفرنیا با طرح این پرسش که چرا تکنولوژی هارپ در ژاپن استفاده می‌شود اما حرف و حدیثی درباره آن نیست، به «جامعه فردا» می‌گوید: قصد دارم بگویم چرا در کشورهای پیشرفته که مقاوم‌سازی شده‌اند یا کشوری مانند ژاپن که هر روز در آن زلزله می‌آید و بعضی اوقات زلزله‌هایی به بزرگی ۶ یا بالاتر در مقیاس ریشتر رخ می‌دهد اما کسی درباره هارپ حرف نمی‌زند و مسائل را زمینی می‌بینند. به نظر من بخشی از این مسئله برمی‌گردد به اینکه بخواهیم هر مشکلی که در جامعه خودمان وجود دارد و به علت بحران سوءمدیریت و عدم مدیریت نتوانستیم از پس آن بربیاییم را با توهم تئوری‌های توطئه حل کنیم.

نیری درباره اینکه اساسا هارپ چیست و آیا کشورهایی مثل ایران به چنین تکنولوژی یا تکنیکی دست پیدا کرده‌اند؟ می‌گوید: تکنولوژی هارپ خیلی تکنولوژی سختی نیست. اما نمی‌دانم ایران به آن دست پیدا کرده یا خیر. علت اینکه آمریکایی‌ها این تکنولوژی را به آلاسکا بردند این است که آلاسکا بسیار به قطب شمال نزدیک است و آنجا می‌توان شفق‌های قطبی را دید، به این معنا که ذرات باردار الکتریکی‌ای که به دام میدان مغناطیسی زمین می‌افتند به نزدیک قطب که می‌رسند حرکت نوسانی انجام می‌دهند. این حرکت شتاب‌دار ذرات الکتریکی سبب تابش امواج الکترومغناطیسی می‌شود که نورهای بسیار زیبای سبز، آبی و بنفش را می‌توانید ببینید. نزدیک بودن مکان این تکنولوژی به قطب، سبب می‌شود که بتوانند بررسی‌های بهتری را نسبت به تأثیرات امواج الکترومغناطیسی در یون کره انجام دهند.

او تاکید می‌کند که روس‌ها هم در دامن زدن به این ادعا که هارپ وسیله‌ای نظامی‌ست، نقش مهمی دارند. دلیل این است که روس‌ها به خوبی آگاهند که چرا آمریکایی‌ها دارند تلاش می‌کنند فیزیک یون کره را بفهمند. این یک جنگ الکترونیکی برای منحرف کردن موشک‌هایی خواهد بود که از کشوری متخاصم به آمریکا فرستاده شود یا هر کشور دیگری که قصد استفاده از این تکنولوژی را داشته باشد. البته فعلا حتی به آن مرحله هم نرسیدند، چرا که نیروی هوایی آمریکا از سرمایه‌گذاری مجدد در این پروژه منصرف شده است.

این استاد فیزیک دانشگاه در آمریکا در پاسخ به این پرسش که آیا اساسا هارپ امکان تولید زلزله‌های بزرگ را دارد و اینکه بعضی از مردم می‌گویند نوری را در کرمانشاه دیده‌اند و این شایعه با کمک برخی رسانه‌ها تقویت شد، تاکید می‌کند: هارپ و هزاران هزار برابر قوی‌تر از هارپ امکان به‌وجود آوردن زلزله‌های مصنوعی را ندارند. برای من عکس‌هایی فرستاده شده که نور قبل از زلزله دیدند که نشان‌دهنده هارپ است، اولا این عکس‌ها توسط هیچ آدم متخصصی گرفته نشده است و نمی‌توان صحت یا عدم صحت آن را تأیید کرد، اما چیزی که به EQL یا Earth Quiet Light (نور زمین لرزه) مشهور است تا به الان به لحاظ علمی رد شده و مقوله‌ای شبه‌علمی است. بنابراین به طور کلی قصد دارم بگویم هارپ یا حتی سلاح‌های اتمی امکان به وجود آوردن زلزله‌ای با این قدرت را ندارند، اما اگر شما گسل‌های فعالی دارید طبیعتا اولا در آن عمق نمی‌توانیم چنین انفجارهایی را انجام دهیم، انفجارهای اتمی بسیار بسیار نزدیک سطح زمین است.

به نظر می‌رسد این میزان از گسست اعتماد میان مردم و نهاد دولت گمانه خطرناکی در فروپاشی نهاد اجتماعی است. اتفاقی که «تقی آزادارمکی» به عنوان جامعه‌شناس به آن اشاره می‌کند و معتقد است؛ فروپاشی نهاد اجتماعی در حال وقوع است. او همچنین حمایت مردم مستقل از نهادهای دولتی برای کمک به مردم زلزله‌زده کرمانشاه را نشانه دیگری از بی‌اعتمادی اجتماعی برشمرد که دارد وضعیت زیست اجتماعی و سیاسی در ایران را پر هزینه می‌کند. این جامعه‌شناس مثل بسیاری از جامعه‌شناسان منتقد سیاست‌های اجتماعی معتقد است؛ مادامی که بازسازی اعتماد اجتماعی با اصلاح روندها و روش‌ها در ایران صورت نگیرد نمی‌توان به بهبود شرایط اعتماد اجتماعی در ایران امید داشت.

چطور توده‌های عظیم مردم در خیابان، مدارس، دانشگاه‌ها، اداره‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی حاضرند خبرهای دروغ و غیرواقعی مانند آزمایش غیرقابل تصور هارپ و فعالیت‌های مشکوک هسته‌ای و نظامی را باور کنند اما حقیقت زلزله‌خیز بودن ایران را به فراموشی سپرده‌اند

شنبه ۹ دی ۱۳۹۶
social@Jameefarda.com
جامعه فردا

تعیین حداقل ۱۸ سال سن برای ازدواج دختران

جامعه فردا: معاون حقوقی رئیس‌جمهوری، گفت: «باید مجلس شورای اسلامی را برای تعیین حداقل ۱۸ سال سن ازدواج برای دختران همسو کرد.»

لعیا جنیدی می‌گوید: «برای همین موضوع در فراکسیون زنان مجلس شورای اسلامی روی موضوع سن ازدواج بالاتر برای این افراد بحث شده است تا سال بالاتر را برای حداقل سن ازدواج تعیین کنند که حدود ۱۸ سال سن تاکنون مطرح است.»

او اظهار داشت: «البته برخی مسئله سن ۱۵ سال را مطرح کردند که هنوز روی آن نیز حرف هست، اگرچه سن ۱۳ سال مورد مناقشه است و بسیاری روی آن ایراد گرفتند که باید تلاش شود تا سن ازدواج به حداقل ۱۸ سال برسد. با ازدواج زودهنگام کودکان به‌ویژه دختران، فرصت تحصیل از این افراد گرفته می‌شود و در واقع آنها را از درس محروم می‌کنیم.»

به گفته معاون حقوقی رئیس‌جمهوری، برای موضوع ازدواج زودهنگام تاکنون جلسات مختلفی در فراکسیون زنان مجلس شورای اسلامی برگزار شده است، چون اغلب این ازدواج‌های زودهنگام در دوران وجوب تعلیم است. با این اقدام فرزندان لازم‌التعلیم این مملکت عملا از حق تحصیل و حمایت‌شان در عرصه درس محروم می‌شوند که به‌همین منظور تمهیداتی اندیشیده شود تا در زمان معقولی که هست فرصت تحصیل برای آنها وجود داشته باشد.

جنیدی ادامه داد: «باید دقت کرد که درک این کودکان از رابطه و مسائل اجتماعی کامل نامشخص است و می‌تواند دچار اشکال کند و اینها ممکن است توجهی به حداقل حقوق و روابط انسانی خودشان نداشته باشد و از این رابطه انسانی که باید مبتنی بر ارتباط باشد تبدیل به رابطه‌ای بشود که از نظر موازین روانی و جسمی و از نظر پزشکی ایجاد اشکال می‌کند.»

دریا

• تای نور قلی‌نژاد •
دانش‌آموز

شما وقتی برای اولین بار دریا را می‌بینید، احساس می‌کنید خیلی هیجان‌انگیز است یا ترسناک؟ ولی من بالا آوردم. احساس تنها بودن می‌کردم. همه در آب دریا بازی می‌کردند ولی من با حماقت ظالمانه تاریکی چشمم به آنها نگاه می‌کردم. راه افتادم به سمت خانه. باران سرد شروع شد. فکر کردم حتما از آن باران‌های تابستانی دو دقیقه‌ای است، اما زهی خیال خام. نیم ساعت زیر باران بودم ناگهان رعدی محکم بر کمرم زد. آنقدر رعد محکم بود که چشم‌هایم تیر کشید. یک لحظه حالت تهوع آمد سراغم. انگار پرتم کرده بودند در دریا. همان لحظه باران قطع شد. از دریا نوایی می‌آمد؛ من را صدا می‌کرد. ناخود آگاه به سمت دریا رفتم. خیلی عجیب بود. فقط دنبال صدا کشیده می‌شدم که می‌گفت: بیا، بیا. به دریا رسیدم، این بار وقتی به دریا نگاه کردم احساس کردم من را در آغوش می‌کشد. گرمای محبتش را احساس می‌کردم. دریا مانند ذهن عمیق است. کنجکاو شدم؛ به دنبال قایق پارویی رفتم. سوار شدم و خود را به دریا زدم. دریا با لطافت تمام مرا به آغوش قلب خویش برد.

هر روز در کنار دریا با دستم، دست دوست آبی‌ام را می‌گرفتم و به درون قلبش وارد می‌شدم. حالا من صدای موج‌های دریا را می‌شناسم، صدای برخورد با صخره‌ها را و جزر و مدش را می‌شناسم یا حداقل این طور فکر می‌کردم. بعدها فهمیدم فقط چیزهایی را می‌دانم که دریا اجازه داده بفهمم...